

«قانون اساسی اتحادیه اروپا»

ناصر ایرانیپور

بالاخره پس از یک سال بحث و جدل روز ۲۸ خرداد امسال سران ۲۵ کشور اروپایی حول متن قانون اساسی اتحادیه اروپا به توافق رسیدند. این قانون قرار است تا سال ۲۰۰۷ به اجرا درآید. البته قبلاً باید پارلمانهای این کشورها آنرا تصویب نمایند. در برخی از کشورها مانند بریتانیا، ایرلند و لوکزامبورگ نیز قرار است این قانون اساسی به فراندوم گذاشته شود. همچنین حکومت‌های بلژیک، هلند، اسپانیا و لهستان خواهان همچون همه‌پرسی در کشورهای خود هستند. به احتمال قریب به یقین در ایسلند نیز به آراء عمومی مراجعه خواهد شد. اینکه فرانسویها، پرتغالیها، چکها، اسلاوها و اسلونیها نیز همچون امکانی خواهند یافت، هنوز معلوم نیست. اما در آلمان فراندومی برای این قانون برگزار نخواهد گردید، چون طبق اظهارات گرهارد شرودر، صدراعظم این کشور، قانون اساسی آلمان آنرا در نظر نگرفته است. سبزه‌های آلمان خواهان همه‌پرسی در ابعاد کل اروپا هستند که احتمالاً عملی نخواهد گردید.

کشورهای اروپایی تغییرات زیادی را در متنی که یک سال پیش تهیه شده بود، دادند. پیشنهادهایی که معطوف به تقویت سخاوتمندانه اتحادیه اروپا بودند بخشاً کم‌رنگتر شدند، اما از طرفی دیگر منشور حقوق پایه‌ای اروپا که تاکنون پای‌بندی به آن اختیاری بود، رتبه یک قانون لازم‌الاجرا پیدا نمود. با قانون اساسی اروپا برای اولین بار امکان مراجعه به آراء عمومی مردم سراسر اروپا به شکل فراندوم پدید آمد.

بجتهای مربوط به قانون اساسی اروپا فرازونشیب فراوانی طی نمودند. حتی خیلی‌ها از شکست آن سخن می‌راندند. آخرین مسئله‌ای که باید قبل از سازش حل می‌شد، میزان و نوع اکثریت دوگانه رای‌ها برای اتخاذ تصمیمات در شورای وزیران بود، که از جانب ایرلند پیشنهاد شده بود. بالاخره روی مکانیسمی توافق به عمل آمد که بر اساس آن در اکثریت زمینه‌های سیاسی پیشنهادی پذیرفته خواهد شد که آنرا حداقل ۵۵ درصد کشورهای عضو و حداقل ۱۵ کشور تایید کنند که دست کم ۶۵ درصد کل جمعیت اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند. اقلیتی که بتواند آنرا بلوکه و وتو کند چهار کشور تعیین شده است. همین مسئله تعیین میزان اکثریت برای پذیرش پیشنهادات بود که باعث شکست پروژه قانون اساسی اروپا در اواخر ۲۰۰۳ شده بود. اما باید به هر حال به این مسئله برای تضمین کارکرد این اتحادیه ۲۵ کشوری پاسخ داده می‌شد. البته در مسائل خیلی حساس سیاست داخلی و مالی و همچنین قضایی مواعینی که برای تصویب پیشنهادات مقرر گردیده‌اند بزرگترند: برای نمونه تصمیمات با یک اکثریت ۷۲ درصدی از کشورهای عضو که حداقل ۶۵ درصد جمعیت اتحادیه را نمایندگی می‌کنند، گرفته می‌شوند. در مسائل مالیاتی، دفاعی و در بخشهای وسیعی از سیاست خارجی باید تصمیمات با توافق همه گرفته شوند.

گروه دیگری که باید حل می‌شد، درخواست کشورهای راستگرا و محافظه‌کار چون ایتالیا و لهستان و همچنین دمکرات‌مسیحی‌های آلمان برای گنجانیدن واژه خدا در مقدمه قانون بود که با مخالفت اکثریت کشورهای عضو روبرو شد و رد گردید و بدین ترتیب از اشاره مشخص به مسیحیت به مثابه دین رسمی و حتی خدا پرهیز به عمل آمد. به عنوان سازش فرمول «سنن فرهنگی، دینی و انسانگرایانه اروپا» در متن قانون گنجانده شد. با این قانون اساسی، بنا است اروپا دمکراتیکتر، شفافتر و کارآمدتر گردد. لذا «منشور حقوق پایه‌ای» اروپا جزء جدایی‌ناپذیر این قانون اعلام گردید.

متن جدید قانون اساسی اروپا در نظر گرفته است که تعداد اعضای «پارلمان اروپا» به ۷۵۰ کرسی افزایش یابد. در «کمیسیون اروپا» که نقش دولت مشترک اروپا را دارد هر کشور عضو تا سال ۲۰۱۴ یک نماینده خواهد داشت، اما پس از آن به جهت ارتقاء کارایی آن تعداد اعضای این ارگان کاهش می‌یابد. سومین ارگان مهم اروپا «شورای اروپا» می‌باشد که در آن رؤسای دولتهای عضو (رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا صدراعظم) عضویت خواهند داشت. مضاف براین، اتحادیه اروپا از ارگانهای دیگری نیز چون «شورای وزرا» که در آن وزرای یک بخش سیاسی مشخص از کشورهای مختلف عضویت دارند (مثلاً شورای وزاری داخله اروپا، شورای وزاری اقتصاد اروپا و غیره)، همچنین دیوان عالی اروپا به مثابه بالاترین ارگان قضایی اتحادیه اروپا برخوردار می‌باشد. در آینده راس اتحادیه اروپا را سه نفر تشکیل خواهد داد: رئیس کمیسیون اروپا، وزیر امور خارجه و رئیس شورای اروپا. پارلمان اروپا اختیارات بیشتری به نسبت قبل می‌گیرد و غالباً در پروسه قانونگذاری شرکت داده می‌شود. هر گاه در اروپا یک میلیون امضاء خواهان تصویب یا تغییر یک قانون شوند، کمیسیون باید دست به کار شود. هر کشوری حق خروج از اتحادیه را دارد.

اکنون مانده که پارلمانهای کشورهای عضو و در مواردی مردم این کشورها در فراندوم آنرا تصویب و تایید کنند. با توجه به اینکه اکثریت مردم برخی از این کشورها نظر مساعدی نسبت به این قانون ندارند و برای لازم‌الاجرا بودن آن باید همه اعضای اتحادیه به آن رای بدهند، معلوم نیست که آیا این قانون هرگز به مرحله اجرا در خواهد آمد.

رهبران اتحادیه اروپا تاکید نمودند که برآند که سال ۲۰۰۷ رومانی و بلغارستان را نیز به عضویت بپذیرند. در این راستا شورای اروپا پیشرفتهایی که در مذاکرات با این دو کشور در ماههای اخیر حاصل گردیده را خیلی مهم ارزیابی نمود. اما در عین حال اضافه کرد که کشورهای مزبور باید دستگاه قضایی و اداری خود را بهبود بخشند و رفرمهای آغاز شده در زمینه ساختار اقتصادی و مالیاتی را ادامه دهند. سران اتحادیه اروپا همچنین از درخواست عضویت کروآسی استقبال نمودند و برای این کشور هویت یک «کشور متقاضی» قائل گردیدند. مذاکرات با این کشور در سال آینده شروع خواهد شد. در مورد اینکه آیا همچون مذاکراتی با ترکیه نیز آغاز خواهد گردید، اتحادیه اروپا در دسامبر امسال تصمیم خواهد گرفت.